

کنفرانس سران الجزایر: رد طرح شولتز و پشتیبانی از انتفاضه

در این شرایط خواهان برگزاری اجلاس سران عرب برای بررسی موضع یکپارچه در پشتیبانی از انتفاضه فلسطین و حمایت از آن با پشتیبانی از راه حل عادلانه و فراگیر شدیم. در حاشیه این نشست و پیش از برگزاری آن، ملاقات دیگری میان اسد و عرفات در ۷ ژوئن ۱۹۸۸ انجام شد. ملک حسین تنها کسی بود که در این نشست بدون پرداختن به انتفاضه، از سران عرب خواست از طرح شولتز حمایت کنند و با سخنان خود تصویری ایجاد کرد که گویا همچنان کرانه باختری را به لحاظ اداری و قانونی تابع اردن می داند. ملک حسین همچنین گفت نظر به کندی روند پرداخت کمک‌های تصویب شده در اجلاس سران بغداد به اردن، کشورش با مشکلات بزرگی برای پرداخت حقوق کارمندان و مدیریت امور کرانه باختری رویارو بوده و در صورت عدم پرداخت این کمک‌ها ممکن است به نقض اردن در کرانه پایان دهد. سخنان حسین در اجلاس بازتاب نیافت و نشست سران بر اینکه سازمان آزادیبخش فلسطین تنها نماینده قانونی مردم فلسطین است تأکید و با تمرکز بر چارچوب فراگیر رویارویی عربی و اسرائیلی، تمامی راه حل‌های پاره‌پاره و تکررانه و همچنین همه طرح‌های انکارکننده حقوق ملی و ثابت مردم فلسطین را رد و اعلام کرد؛ هر طرحی که بر آوردن این حقوق را تضمین نکند تلاش‌ها برای صلح فراگیر و عادلانه در منطقه را با چالش مواجه می‌کند. نشست سران بی آنکه از طرح شولتز نبرد، بام، تصمیم روشنی درباره آن به این نحو گرفت که «کنفرانس با نظرداشت تحولات مربوط به‌کوشش برای ایجاد صلح در منطقه خاورمیانه، آن را همچنان کند و فاقد سرزندگی و قدرت لازم برای رویارویی با موضع مصرانه اسرائیل در عدم پذیرش صلح می‌داند». کنفرانس سران همچنین تأیید چندباره خود از برگزاری کنفرانس بین‌المللی خاورمیانه را زیر نظر سازمان ملل متحد و با مشارکت پنج کشور عضو دائم شورای امنیت و حضور همه طرف‌های رویارویی در منطقه - از جمله سازمان آزادیبخش فلسطین به‌عنوان تنها نماینده قانونی ملت فلسطین - با بر خور داری از حقوق برابر، تکرار کرد. مصوبات نشست الجزایر، نشان داد که رهبران عرب نه تنها ایجاد پوشش برای طرح شولتز از طریق حمایت عربی از آن را نپذیرفته‌اند، بلکه در گامی مبارزه جویانه در برابر طرح شولتز؛ پیشنهاد ما را پذیرفته و حکومت ایالات متحده امریکا را فراخوانده‌اند تا با دگرگون کردن موضع دشمنانه خود نسبت به حقوق ملی و ثابت مردم فلسطین از طریق رد شناسایی سازمان آزادیبخش به‌عنوان تنها نماینده قانونی ملت فلسطین و یک طرف اصلی رویارویی عربی - اسرائیلی و همچنین توقف پشتیبانی نامحدود خود از اسرائیل، از تشویق تل آویو به تداوم سیاست دشمنانه و توسعه طلبانه و تروریستی خود و به چالش کشیدن اراده جامعه جهانی و قوانین بین المللی؛ اجتناب کند.

اجلاس سران همچنین تصمیم گرفت کمک مالی منظم، فوری و ماهانه‌ای به نهادهای فلسطینی در کرانه باختری و نوار غزه اختصاص داده و کمیته وزارتی عربی تشکیل دهد تا با دیدار از کشورهای دوست، پشتیبانی سیاسی از انتفاضه را تأمین کند. تأثیر انتفاضه مردمی فلسطین بر مصوبات اجلاس سران آشکار بود، مصوباتی که هیچ نقضی جز عدم اجرای کامل نداشت.

■ **جداسازی اردن و کرانه باختری**

شولتز در تاریخ ۶ ژانویه ۱۹۸۸ و در شرایطی که طرحی عملاً با مرگ دست و پنجه نرم می‌کرده؛ یک بار دیگر با اسد ملاقات کرد و من نیز در این دیدار حضور داشتم. همزمان حکومت اردن گام‌های خود برای جداسازی کرانه باختری را آغاز کرده و وزارت سرزمین‌های اشغالی خود را منحل اعلام کرده بود. ملک حسین در ۳۱ ژانویه ۱۹۸۸، به‌صورت رسمی جداسازی اداری و قانونی اردن با کرانه باختری و توقف پرداخت حقوق ۲۴ هزار کارمند کرانه و نوارغزه و لغوپرداخت تمامی هزینه‌های برنامه‌های توسعه عمومی پنج ساله این مناطق، را اعلام کرد. در مقابل، سازمان آزادیبخش فلسطین مسئولیت همه این امور را برعهده گرفت و توانست نهادهای ملی فلسطین در داخل را با استفاده از کمک مالی فوری عربی تصویب شده در اجلاس سران الجزایر به مبلغ ماهیانه ۱۲۸ میلیون دلار امریکا و کمک ویژه تأمین نیازهای معیشتی فلسطینیان به میزان ۲۳ میلیون دلار در هر ماه، مدیریت کند.

گام «جداسازی اداری و قانونی» سرزمین‌های فلسطینی از اردن، در واقع به معنای به رسمیت شناخته شدن واقعیت‌های جدید ایجاد شده در اثر انتفاضه فلسطین و تقویت نقش سازمان آزادیبخش فلسطین در راهبری و مدیریت نهادهای ملی فلسطین بود و از همین رو با استقبال سوریه مواجه شد. ملک حسین با ابراز ناخشنودی از این موضع سوریه، سفرهای روئین خود به دمشق را متوقف و در سال ۱۹۸۸، هیچ دیداری از سوریه انجام نداد. ملک حسین شاید با مشاهده تحولات بزرگ پیش رو در صحنه بین‌المللی و نزدیک شدن پایان جنگ عراق با ایران و جنگ سرد و تأثیرات این دو تحول بر خاورمیانه و جهان، احساسی آمیخته از ناامیدی و دلسردی داشت.

■ سه‌شنبه ۲ شهریور ۱۴۰۰
 ■ سال بیست و هفتم
 ■ شماره ۷۷۰۶

دیلی تلگراف (بریتانیا)

شرایط بحرانی در افغانستان، بسیاری از کشورها از جمله انگلیس را نگران وضعیت خروج نیروها پس از ۳۱ آگوست و زمان تعیین شده «جو بایدن» کرده است. همین امر سبب شده تا «پوریس جانسون»، برای تحت فشار قرار دادن رئیس جمهوری امریکا برای افزایش این مهلت، موضوع را در نشست گروه ۷ مطرح کند.



پاکستان تودی (پاکستان)

برای نخستین بار از آغاز مناقشات نظامی پاکستان و هند بر سر کشمیر، دو کشور برای عادی سازی روابط اقدام به صدور ویزای دیپلماتیک برای مقامات یکدیگر کردند. بنا به گزارش سایت «تریبیون» در همین راستا تنها در چند هفته اخیر ۳۳ مقام هندی ویزای پاکستان و ۷ پاکستانی برای ورود به هند مجوز دیپلماتیک گرفته‌اند.



کامرسانت (روسیه)

«ولادیمیر پوتین»، رئیس جمهوری روسیه با حضور در مراسم برافراشتن پرچم در تپه «یوکولونایا»، با جمعی از فعالان حزب روسیه متحد دیدار کرد. در این دیدار که به دلیل قوانین حزب به صورت ضبط شده در شبکه ملی روسیه پخش شد، «پوتین» بر لزوم ممنوعیت ورود پناهمجویان افغان به کشورهای هم مرز کشورش تأکید کرد.



شیران دره پنجشیر در محاصره طالبان



حالی تصمیم خود برای نبرد با شیران پنجشیر را اعلام کرد که پیش‌تر گفته بود، علیه پنجشیر از نیروی مسلح استفاده نمی‌کند و مذاکره را ترجیح می‌دهد، نشانه رفت فراموش نکردده‌اند، این بار قصد ندارند تجربه قدیمی را دیگر بار تکرار کنند. فرزند احمد شاه مسعود دیده می‌شود و توسط دو عامل القاعده به شهادت رسید. قرار دارند یکی بسم الله خان محمدی است که در سال‌های ۲۰۰۲ تا ۲۰۱۰ وزیر دفاع افغانستان بود و اخیراً نیز پیش از سقوط کابل سرپرست همین وزارتخانه شد. دیگری هم امرالله صالح است که تا همین دو هفته پیش معاون اول اشرف غنی بود که خود را رهبر قانونی افغانستان می‌داند. این گروه کوچک پس از رسیدن به پنجشیر، از همه کسانی که خواهان مبارزه با طالبان و دفاع از کشورشان هستند، دعوت کردند تا به پنجشیر روند و به مقاومت جدیدی که در این منطقه در طالبان

حالی تصمیم خود برای نبرد با شیران پنجشیر را اعلام کرد که پیش‌تر گفته بود، علیه پنجشیر از نیروی مسلح استفاده نمی‌کند و مذاکره را ترجیح می‌دهد، نشانه رفت فراموش نکردده‌اند، این بار قصد ندارند تجربه قدیمی را دیگر بار تکرار کنند. فرزند احمد شاه مسعود دیده می‌شود و توسط دو عامل القاعده به شهادت رسید. قرار دارند یکی بسم الله خان محمدی است که در سال‌های ۲۰۰۲ تا ۲۰۱۰ وزیر دفاع افغانستان بود و اخیراً نیز پیش از سقوط کابل سرپرست همین وزارتخانه شد. دیگری هم امرالله صالح است که تا همین دو هفته پیش معاون اول اشرف غنی بود که خود را رهبر قانونی افغانستان می‌داند. این گروه کوچک پس از رسیدن به پنجشیر، از همه کسانی که خواهان مبارزه با طالبان و دفاع از کشورشان هستند، دعوت کردند تا به پنجشیر روند و به مقاومت جدیدی که در این منطقه در طالبان

گسیل نیروهای طالبان به پنجشیر

سوی طالبان به ولایت پنجشیر فرستاده شده تا با امرالله صالح مذاکره کند. اگر آنها آشتی را رد کرده و به سراغ درگیری بروند، واکنش نشان می‌دهیم.» با وجود آنکه در حال حاضر وضعیت خبررسانی در افغانستان با مشکل روبه‌رو است اما محدود خبرهای رسیده از طرف طالبان حاکی از نبردها در حومه دره پنجشیر و آرایش جنگی در خود آن است. در حالی که صبح دیروز یکی از نیروهای طالبان به «رویترز» خبر داده بود نبرد پنجشیر آغاز شده است، ظهر دیروز ذبیح‌الله مجاهد، سخنگوی طالبان در شرح آخرین وضعیت پنجشیر در توییتی خبر داد در جریان نبردهایی که در بغلان در حومه پنجشیر جریان داشته، سه ولسوالی به طور کامل از «دشمن» پاکسازی شده است. در همین حال برخی منابع داخلی افغانستان نیز خبر دادند طالبان نیروهای کمکی را نیز

به سمت منطقه گسیل کرده است تا بتوانند با نواخته شدن مارش جنگ در پنجشیر وارد عمل شوند. سایت روزنامه وال استریت ژورنال نیز خبر داد در جبهه مقابل پیش علی نظری، رئیس روابط خارجی جبهه مقاومت که در پنجشیر مستقر است، اعلام کرده هزار نفر از کماندوهای ارتش افغانستان به آنها پیوسته‌اند و مخالفان مسلح طالبان در بغلان نیز که در نبرد با این گروه شکست خورده و به پنجشیر آمده‌اند، در کنار جبهه مقاومت پنجشیر خواهند جنگید. این در حالی است که همان طور که ارتش شوروی در دهه ۱۹۸۰ نتوانست بر پنجشیر چیره شود، استیلای طالبان بر این منطقه نیز به دلیل موقعیت جغرافیایی آن سخت است. اما همین امتیاز می‌تواند پاشنه آشیل جبهه مقاومت این ولایت شود. زیرا این جبهه بدون حمایت خارجی و دسترسی به مرز

خاموشی بیمارستان‌های لبنان در بحران سوخت و انرژی

زهره صفاری، بحران سوخت و قطع برق در لبنان، بخش درمان و بیمارستان‌های این کشور را با چالشی جدی روبه‌رو کرده است؛ به طوری که در اوج شیوع کووید ۱۹ و در حالی که حتی راهروهای بیمارستان‌ها نیز مملو از بیماران بدحال کرونایی است، سیستم‌های تهویه برای صرفه‌جویی در مصرف انرژی قطع شده و تنها اتاق‌های عمل و انبار داروها برق دارند. به گزارش «آسوشیتدپرس»، بخش بهداشت و درمان لبنان در حالی در این بحران گرفتار شده است که شرایط بد اقتصادی این کشور، سوء مدیریت دولت و پاندمی کرونا نیز بسیاری از پزشکان و پرستاران را فراری داده است و همین امر بسیاری از نخبگان با کمبود نیرو نیز روبه‌رو هستند. آژیر قرمز در بخش بهداشت و درمان لبنان در شرایطی به صدا درآمده است که این

کشور تا چند سال قبل در بخش پزشکی سرآمد کشورهای عرب جهان به شمار می‌رفت و بسیاری از متمدولان و افراد بنام از سراسر دنیا برای درمان، عروس کووید ۱۹ و در حالی که حتی راهروهای بیمارستان‌ها نیز مملو از بیماران بدحال بوده‌اند، هفته‌های اخیر اوضاع در بیمارستان‌ها به قدری بغرنج شده است که علاوه بر کمبود داروهای ضروری، حتی سرم نیز وجود ندارد و بیماران بدحال مجبور به تأمین داروهایشان در بازار آزاد هستند. این در حالی است که سقوط پول ملی لبنان، ارزش دستمزد پزشکان را که این روزها مجبور به کار حداکثری هستند تا ۹۰ درصد کاهش داده و همین امر بسیاری از نخبگان کادر درمان را فراری داده است. در حال حاضر بیمارستان دانشگاه رفیق حریری به عنوان بزرگ‌ترین بیمارستان

دولتی لبنان و مرکز اصلی درمان کرونا به دلیل قطع برق تنها ۱۲ ساعت در روز با کمک ژنراتورها برق دارد. در عین حال به رغم اینکه با شیوع کرونا ظرفیت پذیرش بیمارستان ۱۵ درصد افزایش داشته اما برای صرفه‌جویی در مصرف انرژی، تهویه‌ها همچنان خاموش بوده و اتاق‌ها با پنکه خنک می‌شوند. به گفته یکی از پزشکان این بیمارستان علاوه بر بحران سوخت، کمبود دارو و خون نیز بر مشکلات بیمارستان اضافه و نگهداری از بیماران بدحال را با دشواری‌های بسیاری روبه‌رو کرده است.

بنابر آمارها دست‌کم ۲ هزار و ۵۰۰ پزشک و پرستار در سال جاری لبنان را ترک کرده‌اند و در شرایطی که این کشور حدود ۵۹۰ هزار مورد ابتلا و بیش از ۸ هزار مرگ را بر اثر کرونا ثبت کرده است، بیمارستان‌های تخصصی کرونا مانند



فقر روبه‌رو کرده است. به واقع بحران سوخت و انرژی در لبنان موضوع جدیدی نیست اما آنچه در این تابستان اوضاع را به وخامت کشاند نبود سوخت و انرژی است که سبب فلج شدن کار بیمارستان‌ها، نانوالی‌ها و بسیاری از مشاغل حیاتی این کشور شده است. به گفته کارشناسان انفجار بندر بیروت و تلفات سنگین آن نیز بسیاری از نیروی کارو زیرساختی لبنان را از بین برده و بحران را جدی‌تر کرده است. یکی از پزشکان بیمارستان «رفیق حریری» با ابراز نارضایتی از شرایط معتقد است: «در حال حاضر ما در وسط دریا بدون قایق نجات هستیم و برای اینکه بتوانیم این شرایط را درک می‌کنند و می‌دانند که ما در این کمبودها تقصیری نداریم اما برخی از آنها ما را مقصر می‌دانند و از شرایط شکایت دارند.»

گروه هفت؛ محکوم به تعامل با طالبان

راه تقویت بنیه دولت افغانستان و کمک به مردم نگون‌بخش این کشور هم تحقیق و پس از یافتن دلایل این ناکامی، درصدد رفع اشکالات برآید و سیاست‌های مدون‌تر و بهتری را برای آینده تدوین کند. طالبان اینکه مدعی است که تسخیر مجدد خاک افغانستان و ولایات برشمار آن در هفته‌های اخیر، وظیفه معنوی آنها پس از تضعیف فزاینده دولت کابل و فرار خفت‌بار سربازان امریکایی از این کشور بوده و اگر به سرعت وارد ماجرا نمی‌شدند، ایک افغانستان به چندپاره تقسیم شده و مردم در یک خونریزی وسیع عمومی قلع و قمع شده بودند. غربی‌ها بدون چانه‌زنی بر سر این موضوع با طالبان، باید از «شورای امنیت» سازمان ملل بخواهد با تعریف و اجرایی کردن قواعدی تازه، نظمی را به افغانستان برگرداند که نیازی به مداخله امثال طالبان و روش‌های انحصارطلبانه آنها نداشته باشد و هرگونه زندگی منکی بر سلاح و زور صرف را از سطح افغانستان برچیند و حامی واقعی زنان و کودکان افغان باشد. در یک کلام یا گروه «جی هفت» «علاقه‌ رفتار و طالبان را به عنوان نیروی حاکم بر کابل پذیرفته و با آنها معامله اقتصادی و داد و ستد سیاسی خواهد کرد یا با پس زدن مجدد آنها، انواع بهانه‌ها را برای از سر گرفتن مجدد تدروی‌ها به دست طالبان خواهد داد.

منبع: Project Syndicate

سیاست‌هایی بهتر در افغانستان وضعیت اسفبار

روزهای اخیر امریکا را ببیند که بعد از خروج از افغانستان به سوء تدبیر دو دهه‌ای و پایه‌گذاری هزاران مرگ در افغانستان متهم شد. هرگونه سیاست غیرمذاکره‌ای و مبتنی بر مجادله با طالبان، سیاست شکست خورده برای نیروهای اروپایی و شرکایشان در امریکای شمالی خواهد بود زیرا چه بخواهند و چه نخواهند، کنترل کامل افغانستان اینک در دست طالبان است و تا آنها نخواهند، هیچ تغییری در کابل روی نخواهد داد. درس دیگری که تجربیات تلخ امریکا برای کشورهای گروه هفت و به واقع تمامی جهانیان دربر دارد، پرهیز از تشکیل سازمان‌های مخالف و گروه‌های ضربتی و چریکی برای عوض کردن اوضاع در کابل است زیرا از طریق همین تلاش‌های مذبحخانه بود که گروه‌های بسیار مضری مثل القاعده و داعش زاده شدند و به جای رویارویی با سران طالبان و تحت فشار قرار دادن آنها به قصد گرفتن امتیازاتی از آنها، «گروه هفت» باید با پرس و جو از مردم افغانستان و البته با تعامل با سران طالبان، از نیازهای اجتماعی و اقتصادی آنان باخبر شود و این‌نیاها را تأمین و به کابل ارسال کند. از این طریق غربی‌ها عملاً طالبان را وادار به قبول صلح- ولو غیرپایدار- و کم کردن فشارشان روی مردم افغانستان خواهند کرد. «گروه هفت» باید در مورد دلایل شکست تدابیر قبلی‌اش در

جفری دی ساکز
 مدیر دیارتان رشد جهانی در دانشگاه کلمبیای امریکا
 مترجم: وصال روحانی

دوره تازه اجلاس «گروه هفت» در آستانه گشایش است و قرار است در آن راجع به شرایط افغانستان و آینده آن بحث و تبادل نظر شود و به همین سبب است که باید ظرافت لازم از سر سران دولت‌های «جی هفت» به کار گرفته شود تا شاهد ادامه خونریزی‌ها و مهاجرت‌های اجباری از افغانستان نباشیم. اولین اصل مورد نیاز این است که رؤسای کشورهای «گروه هفت» بپذیرند که حداقل در آینده نزدیک مجبور به تحمل طالبان و به تبع آن، وادار به گفت‌وگو و معامله با آنها هستند. هر چیزی به جز این و تلاش برای ازدیاد فشار به طالبان، کوچک‌ترین لطمه‌ای به نیروهای آنان که به زندگی در شرایط مشقت‌آسا عادت دارند، وارد نخواهد کرد اما به ضرر مردم معمولی در افغانستان تمام خواهد شد که حتی غذا و امکانات و رفاه اندک فعلی‌شان را هم از دست خواهند داد. به علاوه، رویارویی مستقیم با طالبان این نیروها را در ستیزه‌جویی چند دهه‌ای‌شان با دولت‌های غربی محقق‌تر خواهد ساخت و طالبان خواهند گفت که هرگونه نظامی‌گری‌شان نه زیاده‌خواهی بلکه تدبیری اجباری برای حفظ تمامیت افغانستان بوده است. بهتر است «گروه هفت» برای ترسیم